

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ  
حَمْدُ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

تَحْمِيْهُ لَتَسْهِيْهُ: سَلَّتْ شَاهِيْتْ رَاهِيْر



Leader-Khamenei.com

ویژه نامه  
طبعه استعمار

کارنامه استعماری انگلیس  
قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران



معاونت سازی  
نهاد نایابگی نظام قضایی در اینجا

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

ویژه نامه

## طبعه استعمار

کارنامه استعماری انگلیس  
قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران

معاونت سیاسی

نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها  
به کوشش: جمعی از دانشجویان مستقل  
گرافیست: سید محمد باقر موسوی افتخاری

آبان ماه ۱۳۸۸



در تاریخ ایران ایام و روزهای مهم و سرنوشت سازی رقم خورده است که یاد آوری و اطلاع رسانی از آنچه در این ایام واقع شده، موجب آگاهی نسل جدید و تذکری برای نسل قدیم است، همچنانکه که امام خمینی رضوان الله تعالیٰ علیه بر این نکته تاکید داشتند که ایام سرنوشت ساز در تاریخ ملی و دینی کشور را باید با بزرگ شمردن و یاد آوری آن، از یاد نبرد و همچون ایام الله از آنها یاد کرد.

از دیرباز که باب روابط دولت ایران و انگلستان گشوده شد، این کشور کارنامه‌ای بسیار سیاه و منفی از خود بر جای گذاشت. کارنامه سیاست بریتانیا در کشورمان در صد سال اخیر، سرشار از زورگویی‌ها، تحمیل قرداد‌ها، کسب امتیازها، انجام کودتاهاي استعماری و بسیاری دیگر است، که همگی بیانگر قصه پر غصه دخالت انگلیس در ایران است. حال بر ماست که با رویکردی کاملاً فرهنگی و با استفاده از امکانات تبلیغاتی ندای مظلومیت کشورمان را حداقل به گوش هم وطنان خویش برسانیم. نقش انگلیس در روزهای اخیر در ایجاد آشوب و نا امنی در کشورمان و تاکید مقام معظم رهبری بر این نکته باعث شد تا تعدادی از دانشجویان مستقل پیرو خط امام و رهبری اقدام به تهیه گوشه‌ای از کارنامه استعماری انگلیس نمایند.

# امیر مانع اهداف انگلیس

جیمز فریزر مامور انگلستان در ایران که به صورت جهانگرد وارد کشور شد، در مورد امیر کبیر قائم مقام و مانع بودن او در مقابل سیاست‌های انگلیس گزارشی مینویسد که در نهایت منجر به کشته شدن قائم مقام می‌شود:

«بدیهی است در مرحله اول باید از دست وزیری که باعث اصلی همه این بدبهتی‌هاست خلاص شد، کسی که پادشاه خود را در برده‌گی مطلق نگاه میدارد، کسی که در هر مورد فقط نقش خود را ایفا میکند و به پیشبرد نظرات خویش توجه دارد، در حالی که با روش معینی به نظر می‌آید هر پیشنهاد انگلیس را خنثی می‌سازد و با آن مخالفت می‌کند.

چنین کسی هرگز نمی‌تواند در راه اصلاحات اساسی گام بردارد... کسان دیگری هم هستند: اشخاصی که اهمیت و ارتقای خودشان را مدیون نفوذ انگلیس میدانند و در نتیجه نسبت به قدرت انگلیس حساسیت دارند و در دست دولت انگلیس آلت و وسیله مطلوبی خواهند بود... شاه خوشحال خواهد شد که از این برده‌گی نجات پیدا کند و اگر مطمئن به پشتیبانی موثری باشد در این زمینه همکاری خواهد کرد؛ قائم مقام دوستان بسیار کمی دارد و دشمنان خیلی زیاد، به طوری که کار اگر با مهارت انجام شود سقوط او را یک مساله ساده‌ای می‌نماید».

منبع :

ابراهیم تیموری، دو سال آخر: یادداشت‌های روزانه سر جان کمبل دانشگاه تهران، ۱۳۸۴، ص ۱۰۳۲



# مصلحت انگلیس در ویرانی و فقر ایران است

از دیرباز که باب روابط دولت ایران و انگلستان گشوده شد، این کشور کارنامه‌ای بسیار سیاه و منفی از خود در ذهن ملت ایران بر جای گذاشت. در آغاز روابط جدید ایران و انگلیس سر گور اوزلی نوشت: از آن جا که هدف غائی ما حفظ متصروفاتمان در هندوستان می‌باشد، به عقیده صمیمی من بهتر این است که ایران را در حالت ناتوانی و وحشیگری کنونی خود بگذاریم.

به پیروی همان سیاست کلی بود که انگلیس با نقشه اصلاحات امیرکبیر در راه ترقی اقتصادی و قدرت نظامی آشکارا به مخالفت برخاست حتی نماینده آن، کوشید مدرسه دارالفنون تعطیل گردد و استادان فرنگی آن را از ایران بیرون کنند. و همان مأمور سیاسی در برهم زدن نقشه راه آهنی که ایران را به اروپا متصل می‌گردانید، نوشت:

«مصلحت انگلیس در ویرانی و ناتوانی و فقر ایران است، و هیچ تعهد اخلاقی هم ندارد.»  
کارنامه سیاست بریتانیا در کشورمان در دو سده اخیر، سرشار از زورگویی‌ها، تحمل قراردادها، کسب امتیازها و انجام کودتاهاست استعماری در این مرز و بوم است، که به عنوان شاخصترین آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- اشغال نظامی مکرر نواحی جنوبی و جنوب غربی ایران در زمان قاجار و پهلوی
- تحمل عهدنامه مارس ۱۸۵۷ مبنی بر تجزیه هرات و افغانستان از ایران
- تبانی و سازش با دشمن قدیمی آزادی و استقلال ایران، روسیه تزاری، از طریق عقد قراردادهای سری ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵ میلادی با آن رژیم در جهت تجزیه ایران به مناطق نفوذ لندن و پترزبورگ
- تحمل قرارداد ۱۹۱۹ بر کشورمان جهت استقرار نظام مستشاری و تحت‌الحمایتی انگلیس، به شکل انحصاری در ایران
- اخذ امتیازهای استعماری پیاپی از ایران نظیر امتیاز رویتر و رزی و بانک شاهی و دارسی، و به یغما بردن ثروت و دارایی ملی این مرز و بوم
- انجام کودتاهاي سوم اسفند ۱۲۹۹ و ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ برای ایجاد رژیمهای فاسد و وابسته
- جلوگیری از پیشرفت تجارت ایران در منطقه و جهان
- تبعیض شدید و خشن بین کارمندان ایرانی و عناصر انگلیسی در دوائر مربوط به خویش در ایران نظیر شرکت نفت ایران و انگلیس در خوزستان
- تلاش در جهت انحراف مسیر جنبش‌های اصیل ملی و اسلامی، و مخالفت با آزادی و اصلاحات در ایران، در پوشش طرفداری از آن
- کسب اطلاعات محترمانه سیاسی، نظامی، اقتصادی، و غارت ذخائر فرهنگی و مواریث باستانی ایران
- زمینه‌سازی و ایجاد قحطی‌های بزرگ در کشورمان
- حمایت از فرقه‌های منحرف چون بهائیت
- جاسوس پروری

## منابع:

فریدون آدمیت، آندیشه ترقی و حکومت قانون، عصر سپهسالار، نشر خوارزمی، ص ۱۶۴  
مسعود انصاری، عبدالحسین، مروعی بر پنجاه سال تاریخ: خاطرات سیاسی و اجتماعی، تهدیب و تلخیص از باقر عاقلی، ناشر علمی، ص ۳۲۶  
دنیس رایت، ایرانیان در میان انگلیس‌ها، ترجمه کریم امامی، تهران، زمینه، ۱۳۶۸، ص ۹۸

# راز انحراف مشروطیت

همکاری استعمار انگلیس با روش‌نفکران غربزده در جریان مشروطیت، اقتدار حاکمیت را از مردم سلب کرد و با تشدید نا آرامی‌ها و اختلافات داخلی، مانع از استقرار مشروطیت دینی که می‌توانست منجر به ثبات و اقتدار ایران گردد، شد. استراتژی استعمار انگلیس، تضعیف حکومت مرکزی و تقویت جریانات مرکز گریز بود. استاد شهید مطهری در تحلیلی از اوضاع عصر مشروطه می‌نویسد:

«یکی از سیاستهای بزرگ امروز دنیا (انگلیس) طرفدار مشروطیت بود و کوشش‌می‌کرد مشروطیت در ایران ایجاد بشود و یک سیاست بزرگ دیگر دنیا (روسیه) از استبداد حمایت می‌کرد و کوشش می‌کرد که جلو مشروطیت را بگیرد. چرا؟ برای آن که طرفدار مشروطیت بود می‌خواست بعد از مشروطیت، سیاست خودش را بر ایران تحمیل بکند، کما این که همین کار را کرد، و آن که مخالف بود نفوذی داشت و می‌خواست جلو نفوذ رقیب را بگیرد.

بنابراین اگر کسانی با مشروطیت مخالف بودند از این نظر بود که دستهای خارجی را میدیدند و می‌دانستند و پیش بینی می‌کردند که منظور، مشروطیت واقعی نیست، بلکه یک سیاست خارجی دیگری در کار است. یا اگر کسی مخالف استبداد بود، از آن جهت بود که آن سیاست‌هایی را که طرفدار استبداد بودند می‌شناخت و ضررهاي سیاست آنها را می‌دانست... قرائت هم نشان می‌دهد کسانی که مخالف با مشروطیت بودند می‌گفتند این مشروطیت که می‌خواهد باید، غیر از آن مشروطیتی است که دارند صحبتش را می‌کنند، مشروطه مشروعه به اصطلاح نیست و نخواهد آمد، مانند مرحوم شیخ فضل الله نوری.»

منبع:

مرتضی مطهری، اسلام و مقتضیات زمان، ص ۱۵۶



تصویری تزئینی در لئنی در شهر تبریز  
در چریان الثالثی شاهزاده

# فرقه ضاله بهائیت تحت الحمایه انگلیس

ارتباط بهائیت با قدرت های بزرگ دنیا غیر قابل کتمان است به خصوص پیوند آن با انگلیس که مورد اجماع مورخین است. اعطای لقب «سر» و نشان «نایت هود» توسط دربار لندن به عباس افندی، پیشوای بهاییان، که به پاس خوش خدمتی های وی صورت گرفت از واقعیات مسلم تاریخ معاصر است که این خوش خدمتی ها شامل تامین آذوقه برای ارتش بریتانیا در قدس، استفاده از نفوذ و نظریات پیشوای بهائیت، جاسوسی بهاییان در ایران برای انگلیس در هنگامه جنگ بین متفقین و متحدهن و ... است.

جالب آنکه پس از اشغال قدس توسط انگلیس عباس افندی سلطه‌ی انگلیسی ها را «برپا شدن خیمه های عدالت» شمرد و البته انگلیس هم عباس افندی را زیر چتر حمایت خود گرفت، جدا از اعطای لقب و نشان، بهاییان آن دیار مورد توجه و اطمینان کامل مقام های انگلیسی حکومت فلسطین بودند و اکثر آنها در مقام های حساس دولتی مانند فرمانداری، ریاست ثبت اسناد و ماموریت های بالایی در این سرزمین دیده شدند.

منبع:

شوقي افندى، قرن بديع ، ج ۲، ص ۲۹۷، تهران موسسه ملي مطبوعات امري دکتر زاهد زاهدانی، نقل از بهائیت در ایران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۲۲۵



# انقراض قاجاریه و کودتای ۱۲۹۹ با تعریف گردانی انگلیس

فروپاشی امپراتوری تزاری روسیه، انگلیس را به طمع بلعیدن کامل ایران انداد. لرد کرزن انگلیسی با قدری تمام از احمدشاه می‌خواست که با امضای قرارداد ۱۹۱۹ ایران را مستعمره انگلستان نماید. شاه قاجار دریافته بود که امضای این قرارداد لکه ننگی ابدی بر دامان قاجاریه خواهد گذاشت. مخالفت او با قرارداد ۱۹۱۹ و طرح راه‌آهن شمال جنوب با پاسخی کوبنده از سوی انگلیسی‌های استعمارگر مواجه شد.

کودتای سوم اسفند و ظهور قزاقی قدر در صحنه سیاسی ایران به احمدشاه نشان داد که استعمار از اهداف استعماری خود در ایران دست برنداشته است. کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ کام اول استعمار انگلیس در ایران برای اجرای نقشه‌ای بود که برای خاورمیانه در نظر داشت. ایجاد دولت‌های نظامی حامی انگلستان در منطقه و فراهم کردن شرایط مهاجرت گسترده یهودیان به فلسطین و سپس تاسیس رژیمی صهیونیستی در آن سرزمین، هدف اصلی انگلستان در خاورمیانه بود. کودتا، قاجاریه را بیش از پیش ضعیف کرد.

حضور عناصر کارکشته‌ای نظیر «اردشیر جی» و دیگر عوامل استعمار در پشت پرده کودتا، شاه جوان را به وحشت انداخت و ترجیح داد مدتی از ایران دور باشد و این همان چیزی بود که دیکتاتور و حامیان آن دنبال می‌کردند.

رضاخان ابتدا سعی داشت هچون همتای خود در ترکیه در لباس ریاست جمهوری، سیاست‌های انگلستان را در ایران دنبال کند. لذا یک شبه جمهوریخواه شد و عوامل نظامی خود را جهت استقرار جمهوری! به خیابان‌ها گسیل کرد. توطنۀ سلطنت‌طلبان جمهوری خواه با ایستادگی مردم و علماء در فروردین ۱۳۰۳ خنثی شد. دیکتاتور و حامیان خارجی و داخلی او این بار از راه دیگری وارد شدند. ترور مخالفین، ضرب و شتم نمایندگان مجلس و نهایتاً برکزاری انتخابات مجلس پنجم با ارعاب نظامیان و تقلب و فرستادن نمایندگان رضاخان به مجلس، اقداماتی بود که جهت خلع قاجاریه از سلطنت صورت گرفت. مشاوران دانای رضاخان به او آموخته بودند که باید ظاهر قانونی تغییر سلطنت در ایران رعایت شود لذا لازم است نمایندگان طرفدار خود را با تقلب وارد مجلس نماید تا آنان به ضرورت خلع سلطنت قاجار و پوشاندن لباس سلطنت بر تن او، تشریفات قانونی را اجرا کنند. البته در اجرای تشریفات قانونی نیز خوی دیکتاتوری خود را بروز داد. گرفتن امضا از نمایندگان در زیرزمین و تهدید نمایندگان مخالف، بخشی از ستاریوی انگلیسی تغییر سلطنت در ایران بود. با خلع قاجاریه رژیم کاملاً دست‌نشانده پهلوی بر سر کار آمد و به مدت پنجاه و سه سال ایران را در اختیار استعمارگران قرار داد.

منبع:

امیل لوسوئر، *زمینه‌چینی‌های انگلیس برای کودتای ۱۲۹۹*، ترجمه ولی الله شادان، تهران، اساطیر، ۱۳۷۰، ص ۲۷ و ۱۳۴ - ۱۳۵.

# میرزا کوچک خان در مقابل انگلیس

قیام استقلال طلبانه میرزا کوچک خان جنگلی در شرایطی رخ داد که ایران و جهان شاهد تحولات بزرگی بود. وقوع جنگ جهانی اول، اشغال ایران و تشدید تعدیات روس و انگلیس، فروپاشی امپراطوری‌های تزاری و عثمانی، شرایط جدیدی را به وجود آورده بود و میرزا را در جبهه‌های متعدد مبارزه با تعدیات روس تزاری، دست‌اندازی‌های استعمار انگلستان، انقلابی نمایان وابسته، روس‌های کمونیست شده، شبکه مخفی عوامل انگلستان در ایران، عوامل فرقه ضاله بهائیت و رژیم کودتاًی در گیر نمود.

استعمار انگلستان با درک اصالت نهضت جنگل و احساس خطر از ناحیه آن که میتوانست با گسیل قوای خود به تهران و پیوند با شخصیت‌های دینی و ملی نظیر شهید مدرس، تمامی برنامه‌های شوم آنان برای ایران نظیر قرارداد ۱۹۱۹م و یا روی کار آوردن دیکتاتوری رضاخانی را به هم بزنند، با استفاده از عوامل و امکانات خود در صدد نابودی نهضت جنگل برآمد. دستگاه جاسوسی انگلستان با طراحی نقشه‌ای پیچیده که در اجرای آن از عواملی نظیر انقلابی نماها و چپگرانی وابسته، و دشمنان قسم خورده اسلام همچون وابستگان به فرقه ضاله بهائیت بهره برد، نهضت جنگل را از درون با بحران مواجه ساخت و نهایتاً آن را نابود کرد.

منبع:

ویژه نامه ایام، شماره ۴۳، ص ۱، کوچک خان بزرگ



میرزا کوچک خان و دو فوج لئو پلی اسپ

# میرزا کوچک خان از نگاه انگلیس

ژنرال دنسترویل، فرمانده قواهی انگلیسی در معرفی وطن خواهی میرزا کوچک خان جنگلی تعریفی دقیق و غرض آسود دارد: نهضت جنگل از طرف میرزا کوچک خان انقلابی معروف که یک ایده آلیست با شرف و منصفی است تشکیل یافته، پروگرام او حاوی همان افکار و اصول و مرامهای مبتذل و غیرقابل تحمل می‌باشد من جمله: آزادی، مساوات، اخوت، ایران مال ایرانیان است، دور باد خارجی.

یکی از خارجی‌ها که مدتی را در کنار میرزا کوچک خان گذرانده، یان کولاز از اهالی کشور چک است که هدف میرزا را چنین تشریح می‌کند:

«...هدف آن، از بین بردن حاکمیت مطلق دولت مرکزی و بهبود بخشیدن به زندگی مردم زحمتکش و جلوگیری از مکیدن خون آنها به وسیله ادارات بود. این‌ها دلایلی بود که به خاطر آن کوچک خان در حمله انقلابی که بین سال‌های ۱۹۰۷-۱۹۰۸م به تهران شد، شرکت کرد.

... یک چنین وطن‌پرست علاوه‌مندی نمی‌توانست قبول کند که انگلیسی‌ها اقتصاد مملکتش را مثل این که خانه خودشان است از سال ۱۹۱۷م در دست بگیرند و برای همین هم جلوی آنها ایستاد در سال ۱۹۲۰م با روس‌ها متحد شد و به مقابله با انگلیسیها برخاست. در آن زمان تمام ایران قدر انگلیس بود».

منبع:

یان کولاز، بیگانه‌ای در کنار کوچک خان، ترجمه رضا میرچی، فرزان روز، ص ۱۳۵



میرزا کوچک خان

# آزادی مطبوعات از نوع انگلیسی

۱۳۰۲ / ۴ / ۱۹۲۴ دلو ۲۴

آقای رئیس‌الوزراء

این که دولت ایران نتوانسته‌اند رضایت دوستدار را در موضوع این که روزنامه ستاره ایران بی‌ادب‌انه ابلاغیه رسمی دوستدار را تکذیب نموده است، تحصیل نمایند مجبورم تصور نمایم که حضرت اشرف نمی‌خواهند اطمینان‌هایی را که شخصاً به دوستدار دادند که استرضای کامل به عمل خواهد آمد، مجری دارند بنابراین به محض این که هیات جدید دولت انگلیس مشغول وظیفه خود شدند مساله را به آنها اطلاع خواهیم داد.

می‌دانم که حضرت اشرف قصد دارند اقداماتی برای جلوگیری از این قبیل وقایع بنمایند و امیدوارم که به زودی این اقدام را موکدا و تعجیلاً به موقع اجرا گذارند. معهذا این مساله به حمله‌ای که ستاره ایران مستقیماً به دوستدار نموده و از آن بابت ترضیه خواسته نشده و ترمیمی به طوری که از حضرت اشرف خواسته بودم، به عمل نیامده است مربوط نمی‌شود.

موقع را مفتونم شمرده احترامات فائقه را تجدید می‌نمایند.

[پرسی لورن]

[گیرنده]: حضرت اشرف آقای سردار سپه رئیس‌الوزراء و وزیر جنگ

عنبع:

ویژه نامه ایام، شماره ۴۲، ص ۱۱، روحانیت و مردم



# هدف اصلی کودتای ۱۲۹۹ و روایی کار آوردن رضا خان

از همان آغاز کودتای ۱۲۹۹ ه.ش نشانه‌های بسیاری دال بر پیوند مجریان کودتا با استعمار انگلیس وجود داشت. اعظم وزراء از فعالان سیاسی عصر قاجار و پهلوی آورده است که:

«کنسول انگلیس در مشهد، هدف از کودتا را مسائلی همچون تمرکز قوای سیاسی و نظامی در پایتخت، تمدید قرارداد نفت، نابودی عشاير، کنار زدن رجال شایسته و روی کار آوردن عناصر پست، وبالاخره تضعیف و محو روحانیت، و جلوگیری از شعائر حیات بخش حسینی (ع) قلمداد کرده است.»

منبع:  
ویژه نامه ایام، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، شماره ۴۶، نقش‌ها ص ۶



روشن خان در ایام کودتا در کنار اتو میل رولز رویس معاشره شده  
متهمی به لامد شاه قاجار

# مخالفت انگلیس با آزادی و پیشرفت «واقعی» ایران

مسعود انصاری، از دولتمردان عصر پهلوی، در خاطرات خود، تابلو گویایی از سیاست استکباری بریتانیا را در ایران ترسیم کرده است. وی در این باره می‌نویسد: «انگلیس‌ها همیشه با هر اصلاحی در ایران مخالف بودند و نمی‌خواستند ایرانی در راه ترقی و تعالی گام بردارد و مانند کشورهای پیشرفت‌جهان بشود، بلکه سعی داشتند ایران همیشه به صورت خراب باقی بماند... آنها نمی‌خواستند که در ایران صنایعی به وجود بیاید و ما قوه و قدرتی پیدا کنیم. آنها میل نداشتند که در کشور ما قشون منظم و مقتدری به وجود بیاید. آنها به آتش ناامنی‌ها و نابسامانی‌ها در کشور ما دامن می‌زدند، تا ما برای تأمین هزینه‌های قشون کشی بیشتر به آنها نیاز پیدا کنیم و بیشتر زیر بار قرض آنها برویم.

آنها نمی‌خواستند که اوضاع مالی ایران سر و صورتی پیدا کند. آنها با تغییر تعریفه گمرکی ما، که کاملاً برخلاف مصالح ما و به نفع آنها تنظیم شده بود، مخالفت می‌ورزیدند. آنها با هر گونه اقدامی از طرف ما برای جلوگیری از دخل و تصرف در منابع نفتی ما مخالفت می‌کردند. آنها می‌خواستند که رژیم کاپیتو لاسیون در ایران باقی بماند و به لغو هیچ‌یک از امتیازاتی که به زور یا دسیسه از ما گرفته بودند تن در نمی‌دادند و با در دست داشتن بانک شاهنشاهی ایران، می‌خواستند که بر سرنوشت اقتصادی و مالی کشور ما حاکم باشند. خلاصه، آنها می‌خواستند که آقا باشند و بر ما فرمانروایی بکنند».

منبع:

مسعود انصاری، عبدالحسین، مروری بر پنجاه سال تاریخ: خاطرات سیاسی و اجتماعی، ناشر: علمی، ص ۳۲۶



گاردن پارکی چشم  
چایپ در گرمان

هر اسم متحده الشکل کن دن الپسه می‌یان  
پا کلاه پهلوی و کت و شلوار انگلیسی  
فر یکی لئه شهی‌های شهابی ایران فر  
دوران پهلوی اول سال ۱۳۰۷



# نقش چرچیل نخست وزیر انگلیس در ایران

چرچیل نخست وزیر انگلیس در سه مقطع مهم تاریخ ایران مؤثر بود. در زمان خرید سهام «دارسی» برای دولت انگلیس چرچیل وزیر دریاداری بود و با حمایت صهیونیست هایی چون سر مارکوس ساموئل رئیس کمیانی شل این امتیاز را خرید. در ماجرای کودتای ۱۳۹۹ش چرچیل وزیر جنگ بود و با حمایت شبکه صهیونیستی دولت لوید جرج و لرد ریدینگ یهودی نایب السلطنه هند، کودتا را به فرجام رسانید و سپس دیکتاتوری پهلوی را در ایران مستقر کرد. بار سوم در سال ۱۳۲۲ است که چرچیل باز در پیوند با شبکه قدرتمند صهیونیستی دنیای غرب طرح مداخله و کودتای ۲۸ مرداد را در ایران شکل داد.

منبع:

عبد الله شهریاری، مصاحبه با خبرنامه همايش بين المللي پنجاهمين سالگرد کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۲۲  
(تهران، ۲۸ مرداد ۱۳۸۲)



# نفرت عمیق مردم ایران از انگلیس

نفرت عمیق مردم ایران نسبت به انگلیس، گذشته از مورخین و سیاستمداران ایرانی، در اظهارات دیپلماتهاهای غربی و حتی خود انگلیسی‌ها نیز بازتاب گستردۀ دارد. وزیر مقیم امریکا در اسلامبول در ۱۲۷۳ق راجع به تعدادی انگلیس نسبت به ایران چنین میگوید:

«کردار دولت انگلیس نسبت به ایران در سالیان گذشته به اندازه‌ای متعددیانه بوده است که نفرت و کینه‌ای در دل شاه و مردم ایران به وجود آورده، نفرت و کینه‌ای که در هر فرصت مساعدی که به دست آید، تجلی خواهد یافت».

ادوارد براون، خاورشناس مشهور انگلیسی در بحبوحه هجوم سرمایه‌داران غارتگر غربی به ایران و در آستانه قیام تحریم تباکو می‌نویسد:

«من فکر می‌کنم که احساس رشك و انزجار مردم ایران از این حق انحصارها، دریافت امتیازها و کمپانی‌های اروپایی که اخیراً درباره‌شان سر و صدای زیادی به پا خواسته است، کاملاً طبیعی و حتی منطقی است. درست است که این‌ها در واقع منابع مولد ثروت اند، اما نه برای مردم ایران بلکه برای شاه و درباریانش از یکسو و برای اروپائیان طرف قرارداد از سوی دیگر».

منبع:

امیرکبیر و ایران، فریدون آدمیت، ناشر: خوارزمی، تهران ص ۵۷۹  
ر.ک، یک سال در میان ایرانیان، براون، ترجمه مانی صالحی علامه، ناشر: اختران ص ۱۲۰



لیلیان محمدی‌شا پهلوی و چهرچیل نشست وزیر انگلیس

# تفرقه بینداز و حکومت کن

وقایع خونین ۳۰ تیر و نقشی که آیت‌الله کاشانی در این قیام داشت، آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها را به این نتیجه رساند که تنها راه شکست دکتر مصدق از بین بردن حمایت آیت‌الله کاشانی است، حسین مکی که خود از نزدیک، شاهد وقایع آن زمان بوده، در خاطرات خود می‌نویسد:

«آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها و عوامل آنها در وقایع ۳۰ تیر ۱۳۳۱ برای برداشتن دکتر مصدق به این نتیجه رسیده بودند که تا آیت‌الله کاشانی و چند نفر از اعضای موثر جبهه ملی که سمت نماینده مجلس را دارند با دکتر مصدق متحده و متفق می‌باشند، محال است که بتوانند او را از کرسی نخستوزیری به زیر اندازن.

موثرترین راه و بهترین راه حصول به این مقصد را بر هم زدن اتحاد و اتفاق بین کاشانی و جبهه ملی با دکتر مصدق می‌دانستند، بنابراین همان سیاست «تفرقه بینداز و حکومت کن» را به کار بستند و شروع به عمل کردند».

منبع:

حسین مکی، خاطرات سیاسی مکی، تهران، علمی، بهار ۱۳۷۲، ص ۴۶۰

آیت‌الله کاشانی در حال عبادت از مصطفی



دکتر مصدق در نیکزاد



# کودتای ۲۸ مرداد، انتقام انگلیس از ملت ایران

در جریان ملی‌سازی صنعت نفت ایران، آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق به عنوان راهبران دینی و سیاسی نهضت، توانستند کمر استعمار و دیکتاتوری را بشکنند. آنان نیز توفیق یافتند تا نفت را ملی ساخته و از دشمن، خلع ید به عمل آوردند.

در این شرایط، استعمار که نمی‌توانست دست روی دست بگذارد و از کفدادن ایران، این لقمه چرب را به نظاره بنشیند، تنها راه پیروزی بر ملت را در ایجاد تفرقه در صفوف متعدد آنان می‌جست. لذا با کمک عوامل داخلی خود همچون مظفر تقایی‌ها به اختلاف افکنی در میان سران نهضت پرداخت. متأسفانه این شگرد موفق از آب درآمد و آنها توانستند کاشانی و مصدق را از هم دور کنند.

به تدریج، با گسترش کدورت‌ها، زمینه برای وقوع کودتای سیاه ۲۸ مرداد با زمینه سازی انگلیس و اجرایی کردن آن توسط آمریکا به دست سپهبد زاهدی کاملاً مهیا شد. پس از کودتا، مصدق به زندان و تبعید و کاشانی به انزوا دچار شد و استعمار بار دیگر به صحنه آمد و برای ۲۵ سال چنان تسمم‌های از گرده ملت ایران کشید که تاریخ کمتر به یاد دارد تا این که سرانجام با پیروزی انقلاب اسلامی برای نخستین بار، نفت به شکل واقعی خود در تملک ملت درآمد و حقیقتاً ملی شد.

منبع:

ویژه نامه ایام، شماره ۴۶، ص ۶، نقشها

محمد رفیع و هم‌میتدی‌ها  
مقیل در کودتا



محمد رفیع در کنار ارکانیان رئیسی  
نماینده وزیر کودتا



# کودتای انگلیسی با مشارکت MI-6 و شبکه مخفی صهیونیستی

طرح MI-6 (سرویس اطلاعاتی انگلیس) در زمینه کودتای ۲۸ مرداد ابتدا به وسیله چرچیل نخست وزیر انگلیس تصویب شد. و با تمهداتی حمایت دولت آمریکا نیز جلب شد. سالیان سال کودتای ۲۸ مرداد به عنوان کودتای آمریکایی شهرت داشت ولی امروزه اسناد و اعترافات دولتمردان بریتانیا همچون وزیر خارجه اسبق انگلیس آقای "جک استراو" کاملاً مسجل می‌کند که این طرح بیش تر صهیونیستی - انگلیسی بود تا آمریکایی و حتی سرویس اطلاعاتی انگلیس با بزرگنمایی خطر کمونیسم و انجام تحریکات و آشوب‌های پنهانی، مثلاً در ماجراهای سفر اول هریمن به ایران در ۲۳ تیر ۱۳۳۰، توانستند به تدریج آمریکایی‌ها را با خود هم عقیده کنند. عامل مهم دیگری که در این حوادث نقش فعال داشت شبکه مخفی صهیونیستی در ایران است که متأسفانه تاکنون مورد توجه جدی مورخین ایرانی قرار نگرفته است در حالیکه این کانون در سرویس‌های اطلاعاتی انگلیس و آمریکا از نفوذ فراوان برخوردار بود. یکی از طرح‌های سرویس‌های اطلاعاتی انگلیس و آمریکا برای تشدييد اختلافات، انداختن بمب به خانه علماء به نام هواداران مصدق بود. در چارچوب این طرح است که در ۱۰ مرداد ۱۳۳۲ یعنی ۱۵ روز پیش از شروع عملیات گروهی به نام هواداران مصدق با چوب و چماق به خانه کاشانی حمله کردند و نارنجکی به داخل خانه پرتاپ نمودند که به مجروح شدن عده‌ای انجامید. شبکه‌های خرابکار فوق همچنین نامه‌هایی با امضای حزب توده برای علماء، به ویژه آیت الله العظمی بروجرودی، می‌فرستادند و آن‌ها را تهدید می‌کردند که به زودی ما قدرت را به دست خواهیم گرفت و شما را دار خواهیم زد.

منبع: عبد الله شهبازی . مصاحبه با خبرنامه همایش بین المللی پنجاهمین سالگرد کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ (تهران، ۲۸ مرداد ۱۳۸۲)



# نفت ایران و سود انگلیس

قراردادهای نفتی ایران همواره در زمان حکومت نظامی منعقد شد. قرارداد ۱۹۳۳م در زمان حکومت ۲۰ ساله رضاخانی شکل گرفت. هنگام مذاکره درباره قرارداد، حکومت نظامی برقرار بود... همچنین در زمان مذاکره با کنسرسیووم قرارداد ۱۹۳۳م نیز حکومت نظامی برقرار بود. چند سال بعد قرارداد کنسرسیووم ۱۹۵۴م منعقد شد که در مجموع سهم ایران و انگلیس از آن ۳۰ به ۷۰ بود.

پیش از آن که زمان قرارداد ۱۹۵۴م منقضی شود در سال ۱۹۷۲م در سن موریتس قرارداد دیگری با کنسرسیووم منعقد شد. درخصوص این قرارداد ماده ۳۱ بیان میداشت: کلیه دعاوی ایران نسبت به شرکتهای نفتی و کنسرسیووم ملغی شد و ماده ۴ آن نیز بیان می‌داشت که شرکت ملی نفت ایران اجازه ندارد بدون موافقت کنسرسیووم از ظرفیت اضافی پالایشگاه استفاده کند.

منبع:

مسعود بهنود، دولتهای ایران از سید خسیاء تا بختیار، تهران، جاویدان، ۱۳۶۶، ص ۴۰۵



کارگران شرکت نفت ایران



ملکه نعیه رفعت شاه با شرکت انگلیسی  
کنسرسیووم در میانه قدر

# مخالفت با کنسرسیوم

آیت‌الله کاشانی پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۲۲ش در مخالفت با قرارداد کنسرسیوم و عاملان آنها اعلامیه‌هایی صادر کرد که در یکی از اعلامیه‌های وی آمده است: «مجموع اخبار و اطلاعات منتشره راجع به نفت و کیفیت معامله با کنسرسیوم، موجب نهایت تاسف و تعجب گردید که چگونه انگلیس‌ها از وقایع و فجایع و مظالم محصول یک قرن سیاست استعماری خویش عبرت نگرفتند... و دولت آمریکا که خود را پیشاهنگ اصول دموکراسی و مبتكر منشور آتلانتیک و پشتیبان سازمان ملل می‌داند در این معامله با انگلستان مکار و حیله‌گر همکاری می‌نماید... به فرض که این قرارداد شوم هم به تصویب برسد، رسمیت ندارد و دیر زمانی تخواهد پایید که ملت ایران، انگلیس و همسitanش را خلع ید خواهد نمود».

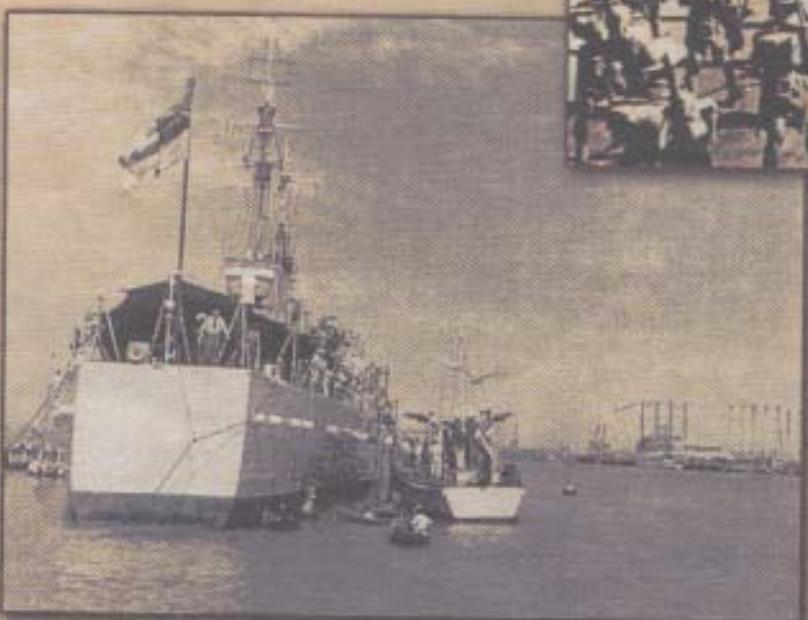
منبع:

مهوش السادات علوی، آیت‌الله کاشانی و سیاست، تهران، سوره، ۱۳۷۶، ص ۵۸

نشانی پالایشگاه آپاران  
توسط انگلیسان انگلیسی



نهضت عکش انگلیسی نه  
حال قرک خلیج ثاروس



# عزای عمومی از تجدید روابط با انگلستان

پس از کودتای سیاه ۲۸ مرداد، زاهدی تجدید روابط با استعمارگر پیر انگلیس را در دستور دولت خویش قرار داد، ولی به دلیل نفرت فزاینده مردم ایران از آن دولت مکار، این اقدام را به صورت محترمانه پیش می‌برد. آیت‌الله کاشانی که در جریان اقدامات پشتپرده و خیانتکارانه زاهدی قرار گرفت، در آن خفغان سنگین نیز با صدور اعلامیه از خود واکنش نشان داد:

«ملت شریف ایران هرگز تن به این ذلت نخواهد داد، هر روزی که دولت، اعلام تجدید رابطه با انگلستان را بدهد، روز عزای ملی است و باید مردم نوار سیاه به سینه خود نصب کنند و به علاوه هر مغازه با خط درشت بنویسد و اظهار تنفر از انگلیسی‌ها و مساعدین آنها چه خارجی و چه عمال داخلی بنماید».

منبع:

مهوش السادات علوی، آیت‌الله کاشانی و سیاست، تهران، سوره، ۱۳۷۶، ص ۶۱ - ۶۰



# کسی اطلاعات محرومانه و غارت موادیست باستانی ایران

از مأموریت‌های مهم و عمدۀ سفراء و نمایندگان سیاسی دولت بیگانه خصوصاً انگلیس در ایران، جمع آوری اطلاعات دقیق سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی راجع به منطقه مأموریت خویش بوده است.

متن دستورالعمل پادشاه انگلیس به سفیرش در ایران:

باید با تمام قوا کوشش نمایید از منافع مالی و نظامی دولت ایران اطلاعات دقیق و صحیحی به دست بیاورید، از شماره نفرات، از دیسیپلین ارتش، از میزان و راههای وصول مالیات و عوارض در موقع صلح و جنگ، از نیروهای صنعتی و از سایر مطالبی که بتوان از روی آنها قضاوت صحیحی درباره اوضاع فعلی ایران بنمود ما را از طریق وزارت خارجه مطلع بنمایید. هرگونه گزارش درباره عادات و سنت و رسوم و خلقيات ایرانيان و اطلاعات تجاري، و مخصوصاً آثار باستانی ایران، مورد علاقه ما می‌باشد.

منبع:

ویژه نامه ایام، شماره ۴۱، بریتانیا؛ رئوس اهداف و عملکرد استعماری در ایران، ص ۱۱



شایش تئیت لامه‌الکرمان لذکریه‌ی فی لیوان

# جاسوس پروری و ترویج روح خیانت به کشوار

موضوع جاسوس پروری انگلیسی‌ها در ایران، پرونده‌ای قطور دارد. خان‌ملک ساسانی، مورخ پراطلاع دوران در این زمینه مینویسد: «در آن ایام سفارت انگلیس هنوز به جاسوسان ایرانی خود حقوق ماهیانه مرتب میداد و آنها را به چهار دسته تقسیم کرده بود: حداقل حقوقشان دویست و پنجاه تومان و حداکثرش هزار تومان بود که این خدمتگزاران سری هر ماهه از بانک شاهی دریافت می‌داشتند.

بر خلاف این سی ساله اخیر که حقوق ماهیانه جاسوسان به صورت انعام موقت درآمد و کمپانی نفت سابق از هرکس که خدمت شایسته‌ای دیده بود او را دعوت به آبادان می‌کرد و پس از پذیرایی شایان یک جام زرین پر از لیره طلا که به اصطلاح «فول کاپ» می‌کفتند به خدمتگزاران صمیمی انعام می‌داد... من که برای جمع آوری تاریخ معاصر ایران همیشه در جستجوی اطلاعات و شناسایی مردم بودم متأسفانه اغلب این خدمتگزاران سفارت را می‌شناختم».

منبع:

احمد خان ملک ساسانی، دست پنهان سیاست انگلیس در ایران، تهران، بابک، ص ۷۹، ۱۳۵۴



نمایش تصویر از میان این لکلایه‌ها نمی‌تواند

# رایزن استعماوه راهن ایران

شاپور جی ریپور تر فرزند اردشیر ریپور تر در اسفند ۱۳۵۱ش به علت خوش خدمتی که به کشورش انگلستان کرد به لقب «شواليه» و «سر» نائل شد. روزنامه دیلی اکسپرس در مقاله‌ای گوشده‌ای از خدمات وی به انگلیس و آمریکا را ذکر می‌کند:

«دیروز در کاخ باکینگهام مراسم تجلیل و دادن نشان برقرار بود... کسی که مردم در انگلستان وی را کمتر از همه می‌شناسند همان کسی است که بیش از همه به آنها خدمت کرده است. او سر شاپور ریپور تر است که از اتباع دولت پادشاهی انگلستان است ولی در تهران خانه دارد و به سبب خدماتی که به منافع بریتانیا کرده است به دریافت لقب «شواليه» و عنوان «سر» نائل شده است. این خدمات بی‌سر و صدا منافعی به مبلغ صدها میلیون لیره به بریتانیا رسانده... و به نظر می‌رسد که در آینده نیز بیش از این خواهد رساند...»

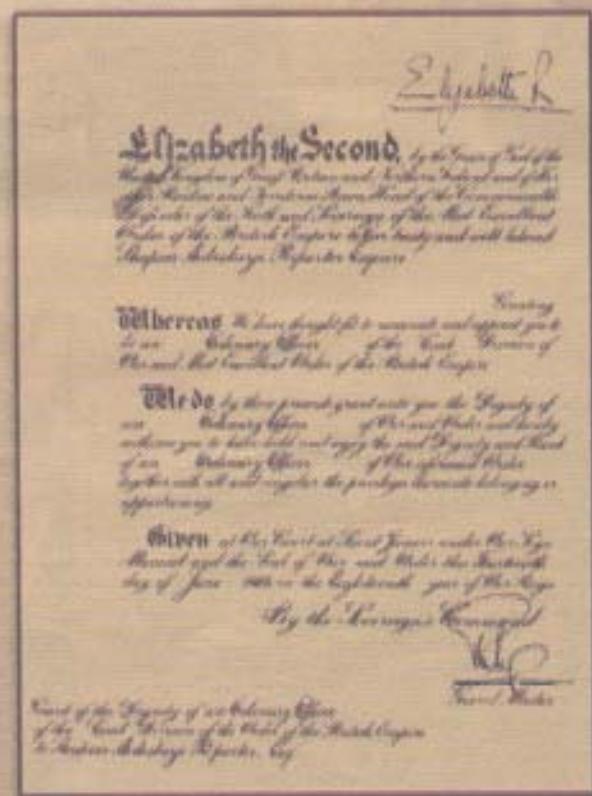
در جریان بحران نفت ایران در اوائل دهه پنجاه هنگامی که محمد مصدق منافع نفتی بریتانیا را ملی کرد و مناسبات دیپلماتیک دو کشور به وحامت گرایید، رایزن سیاسی سفارت آمریکا در تهران بود. از آن دوران او به یکی از خارق العاده‌ترین چهره‌های بین المللی بدل شد.

منبع:

ظہور و سقوط سلطنت پهلوی، ص ۱۹۵



شاهزاده ریپور اس



شاهزاده ریپور اس که از این تاریخ تا این آنونه تبریزی  
په اتفاقی مکانی از این را پنهان نموده است  
و اینکه این را پنهان نموده است تا اینجا نمایم

# ریپورتر جاسوس انگلستان دخیل در تمام شئون ایران

سند دیگری که نقش برجسته شاپور ریپورتر را در گودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مسجل می‌سازد، تصویری از اوست که در اسناد شخصی اش به دست آمده و وی را در دادگاه مصدق نشان میدهد. شاپور با دستخط خود در زیر تصویر فوق این عبارت را نوشته است:

## Mission accomplished

"مأموریت انجام شد"

منبع: عبدالله شهبازی، فصلنامه تخصصی تاریخ معاصر ایران، سال ششم، شماره ۲۳، پاییز ۱۳۸۱، ص ۱۰۳



تصویری از شاپور ریپورتر عامل انگلیس و دنیس رایت، کاردار سفارت بریتانیا، در فرودگاه مهرآباد در حال استقبال از هیئت اعزامی نفت رویال داچ شل نمایندگان کنسرسیوم به تهران

عکس از سمت راست: شاپور ریپورتر مسئول عملیات داخلی در گودتای ۲۸ مرداد، سرتیپ نعمت الله نصیری، ریچارد نیکسون معاون رئیس جمهور آمریکا و سرلشگر مهدیقلی علوی مقدم رئیس شهربانی کل کشور در زمان سفر نیکسون به ایران

(۱۳۳۲ آذر ۱۸)



چیمن پینجر، روزنامه نگار سرشناس و دوست مشترک لرد ویکتور روچیلد و شاپور ریپورتر که خود قبلاً عضو ام. آی. ۵ بود، این حادثه را پوشش خبری گسترده داد و مقاله او در دیلی اکسپرس شهرباز فراوان برای شاپور به ارمغان آورد.

# افکار برای مرد محظوظ شاه کسی که میلیون ها به بریتانیا سود رسانید

نوشته چیمن پینجر

کسی که افکار عمومی بریتانیا او را کمتر از همه می‌شناسد،  
کسی است که به آنها بیشترین خدمت را کرده است.

ریپورتر به او گفت تنها یک نفر را می‌شناسد که واجد کمال، عزم راسخ و توان ذهنی برای انجام این وظیفه است و این شخص رضاخان، یک افسر ایرانی در بریگاد قزاق، است. آیرونسايد بلافضله به رضاخان علاقمند شد. او ارضخان را به عضویت دولت منصوب و به زودی نخست وزیر شد. او در سال ۱۹۲۵ خود را شاه اعلام کرد و نام خانوادگی پهلوی را برگزید و اکنون پسرش است که ابر ایران حکومت می‌کند. سر شاپور، مانند شاه، برآن است که گسترش سریع دوستی و شراکت انگلیس و ایران در امور تجاری و دفاعی یکی از مهم ترین فرآیندها در پیشرفت سیاست بین المللی است. او به خاطر تلاش های پیشین در سال ۱۹۶۹ نشان OBE دریافت داشت ولی پیشینه خدمات او به بریتانیا بسیار قبل از این زمان است. او در زمان جنگ اجهانی دوم امتخصص جنگ روانی ارتش بریتانیا در هند بود. در جریان بحران نفتی ایران در اوایل دهه ۱۹۵۰، زمانی که محمد مصدق منافق نفتی بریتانیا در ایران را ملی کرد و روابط دیپلماتیک ادو کشورا به وحامت گرایید، به عنوان مشاور سیاسی در سفارت ایالات متحده آمریکا در تهران خدمت می‌کرد! از آن زمان او به یکی از خارق العاده ترین شخصیت های بین المللی بدل شده که در عالی ترین سطوح فعالیت می‌کند ولی شخصاً ترجیح می‌دهند در سایه باشند.

منبع:

روزنامه دیلی اکسپرس ۲۱ دارس ۱۹۷۳، ترجمه: نشریه دنیا، دوره دوم، سال ۱۴ شماره اول، ص ۳۱

او سر شاپور ریپورتر است، یک شهروند انگلستان که مقیم تهران است و به خاطر خدماتش به منافع بریتانیا در ایران شوالیه شد. این خدمات خاموش سفارش هایی که صدھا میلیون پوند ارزش دارد برای بریتانیا به ارمغان آورده به همراه تمامی مشاغلی که ملازم آن است و به نظر می‌رسد در آینده بیش از این خواهد بود. سر شاپور، ۵۲ ساله، مشاور چندین موسسه بزرگ بریتانیاست. او چنان محظوظ است که نامی از این مشاوره ها نمی‌برد، ولی من حدس می‌زنم که او در تأمين سفارش های عظیم ایران برای دریافت هواپیماهای کنکور، تجهیزات دریایی، هاوکرات ها، موشک ها و سایر تجهیزات دفاعی نقش داشته است. زمانی که شاه در سال گذشته از تأسیسات دفاعی بریتانیا، به منظور مشاهده عملی هواپیماها و سلاح ها، دیدار کرد، سر شاپور در کنار او بود. چگونگی شکل گیری این رابطه یکی از عجیب ترین نمونه هایی است که نشان می‌دهد تاریخ، درواقع چگونه ساخته می‌شود: پس از جنگ اول جهانی، پدر او، که او نیز ریپورتر نام داشت زیرا یکی از اجداد او در بمبئی خبرنگار بود، مشاور شرقی هیئت نمایندگی بریتانیا در تهران بود. از لندن به زرزال آیرونسايد، فرمانده یکی از نیروهای نظامی بریتانیا در ایران، دستور داده شد که شاه حاکم بر ایران را بوكنار کرده و یک حکمران جدید، که بتواند بیشتر و بفهر منافع ملی ایران را تجلی بخشد، بیابد. او آیرونسايدا برای مشاوره نزد آقای ریپورتر رفت.

# نقش انگلیس در مرگ ۱۰ میلیون ایرانی

فاجعه قحطی سالهای ۱۲۹۶-۱۲۹۸ همزمان با جنگ جهانی اول زمانی اتفاق می‌افتد که سراسر ایران در اشغال نظامیان انگلستان است. درست زمانی که مردم ایران به دلیل قحطی نابود می‌شدند، ارتش بریتانیا مشغول خرید مقادیر عظیمی غله و مواد غذایی از بازار ایران بود و با این کار هم افزایش شدید قیمت مواد غذایی را سبب می‌شد و هم مردم ایران را از این آذوقه محروم می‌کرد. جالب‌تر این که انگلیسی‌ها حتی مانع واردات مواد غذایی از آمریکا، هند و بین‌النهرین به ایران می‌شدند. به علاوه در زمان قحطی، انگلیسی‌ها از پرداخت پول در آمدهای نفتی ایران استنکاف ورزیدند. داناهو افسر شناخته شده اطلاعات نظامی انگلستان و نماینده سیاسی آن دولت در غرب ایران در سالهای ۱۲۹۶-۱۲۹۸ ش درباره قحطی در غرب ایران این گونه می‌تویسد: «اجساد چروکیده زنان و مردان، پشته شده و در معابر عمومی افتاده اند. در میان انگشتان چروکیده آنان همچنان مشتی علف که از کنار جاده کنده‌اند و یا ریشه‌هایی که از مزارع در آورده اند به چشم می‌خورد: با این علفها می‌خواستند رنج ناشی از قحطی و مرگ را تاب بیاورند. در جایی دیگر، پابرهنه‌ای با چشمان گود افتاده که دیگر شباهت چندانی به انسان نداشت، چهار دست و پا روی جاده جلوی خودرویی که نزدیک می‌شد می‌خزید و در حالی که نای حرف زدن نداشت با اشاراتی برای لقمه نانی تماس می‌کرد...».



طبق اسناد آمریکایی، در سال ۱۹۱۴م جمعیت ایران ۲۰ میلیون نفر بود که در سال ۱۹۱۹م به ۱۱ میلیون نفر کاهش یافت، یعنی حدود ۵۵ میلیون نفر از مردم ایران در اثر گرسنگی و بیماری‌های ناشی از کمبود مواد غذایی و سوءتغذیه مردند.

منبع:

محمدقلی مجید، ترجمه محمد کریمی، قحطی بزرگ، مؤسسه مطالعات و یژوهش‌های سیاسی، ص ۹

# نقش تاریخی انگلیس در ترویج مواد مخدر در ایران

پیدایش و گسترش اعتیاد در ایران توسط انگلیس و از سوی «برادران شرلی» در دوره صفویه رواج داده شد. اما در دوران قاجار، از زمان ناصرالدین شاه در اطراف دارالخلافه در تهران، زمینهای وسیعی به کشت خشکاش اختصاص یافت و سطح کشت آن به حدی زیاد شد که صرف نظر از کفاف مصرف داخلی، سالیانه مقادیر زیادی تریاک به مستعمرات انگلیس صادر می‌گردید.

دولت انگلیس برای معتاد نمودن مردم و گسترش اعتیاد در ایران، ابتدا عوامل خود را مأمور نمود با تبلیغ این که تریاک درمان تمامی دردهاست، مردم ایران را که در آن زمان به دلیل فقر و کمبود پزشک از بیماریها رنج می‌بردند، به این ماده مخدر معتاد نمودند. دیری نپائید که تریاک به عنوان یک داروی خانگی جای خود را در میان ایرانیان باز کرد و پس از مدتی دولت انگلیس اعلام کرد که سوخته‌ی تریاک را با قیمت مناسب از افرادی که از این ماده استفاده می‌کنند، می‌خرد.

با گسترش سلطه و نفوذ استعمار غرب و به ویژه آمریکا و انگلیس در ایران، انگلستان با سرمایه‌گذاری بلند مدت و رواج هر چه بیشتر اعتیاد تلاش کردند با از بین بردن نیروی جسمانی و شخصیت افراد، آنها را تضعیف و از صحنه خارج نمایند. تا زمینه‌ی سلطه و غارت خود را بیش از پیش فراهم کنند.

منبع:

مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مواد مخدر به روایت اسناد ساواک  
شاکری، عبدالحسین، مواد مخدر و اعتیاد، نشر گوتنبرگ، ص ۴۸



# نقش مهم الكل

در خلال جلسات کمیسیون سرحدی ۱۹۱۳ میلادی که برای حل اختلافات ایران و عثمانی برگزار می‌شد، دولت انگلیس نقش میانجی و ناظر را بر عهده داشت، سر آرنولد ویلسون نماینده امپراتوری در این مذاکرات در خلال خاطرات خویش اذعان می‌کند که با حریه الكل، مسائل مورد اختلاف را حل می‌کرده است:

«خوبشخنانه الكل در این مورد نقش مهمی ایفا کرد و در مجالس شب‌نشینی و ضیافت که سرها از باده ناب گرم می‌شد مسائل مورد اختلاف مطرح و برای رفع آن در کمال سهولت تصمیم لازم اتخاذ می‌گردید... هنگامی که جلسات رسمی کمیسیون سرحدی تشکیل می‌گردد آثار خستگی و فرسودگی از ناحیه همگی هویدا است و من برای این که کسی لب به شکایت نگشاید و جریان کارها به تعویق نیفتد به سیره همیشگی با نوشابه‌های الكلی رضایت آنها را جلب می‌کنم. مستخدمین و گماشتگان هیات نماینده‌گی انگلیس به دستور اینجانب در تقسیم و توزیع جام‌های نوشابه سعی بلیغ به عمل می‌آورند ولی خود من برای این که حواسم پرت و پریشان نشود جز آب صاف و گوارا نوشابه دیگر نمی‌نوشم».

منبع:

آرنولد ویلسون، سفرنامه ویلسون، ترجمه حسین سعادت نوری، تهران، وحید، ۱۳۶۳، ص ۳۶۳



یک از نماینده‌گان کمیسیون برای اسلت مرادان چین می‌گذارد. ای از  
نه عنین وی را نامی‌بگذارید: آنایان یک‌هم مدیر عامل سازمان پرمانه و انتظام  
و امور خارجه و دیگر رایت‌کاردار سفارت انگلیس بیشتر مشاهده می‌شوند

# نقش انگلیس در جدا شدن هرات از ایران

پاتینجر جاسوس کارکشته انگلیس با لباس روحانی به هرات رفته و خود را مولوی هندی معرفی کرد، و در هرات به تدریس و در مسجد هرات به پیش نمازی مشغول شد و اهالی را علیه ایران تحریک نمود. و آنmod می کرد که از الهامات روحانی مستفیض و مطلع می شود و بر همین پایه اطلاعات قشون ایران را به کامران میرزا مخالف دولت ایران می داد و ضمن دادن مشاوره به او با پرداخت وجه که صندوق دار آن مانکجی لیمجی از جاسوسان انگلیس در هند بود، او را قادر به تهیه لوازم جنگ نموده به کمک دولت انگلستان مستظہر می ساخت.

در محاصره‌ی قلعه هرات توسط محمد شاه پاتینجر نزد کامران میرزا رفت و او را از تسليم شدن باز داشت و مطمئن کرد که دولت انگلستان به ایران اعلان جنگ خواهد کرد و نیز متعهد شد که تا هفت ماه قشون ایران را از دور هرات پراکنده سازد. او در هرات شروع به پرداخت وجه کرد و مبالغ گزاری پرداخت و موجب شد اهالی قلعه بیشتر مقاومت کنند.

مستر مک نیل، سفير انگلستان در ایران، نیز اطلاعات اردوی ایران را برای او [پاتینجر] می فرستاد. عملیات پیچیده‌ی انگلیسی‌ها در افغانستان علیه ایران با نقش آفرینی پاتینجر و مانکجی که وابستگی مستقیم به سرویس اطلاعاتی بریتانیا داشتند منجر به جدا شدن هرات از خاک ایران شد.

منبع:

سید مهدی فروخ، تاریخ سیاسی افغانستان، تهران، احسانی، ۱۳۷۱، ص ۲۰۵



قلعه‌ای در هرات

# تصمیم‌گیری انگلیس برای جدائی بحرین از ایران

در زمینه جدائی جزیره بحرین از خاک ایران و همچنین تصرف جزایر سه‌گانه تنب بزرگ و تنب کوچک و ابوموسی، شاه و هویدا از خود هیچ اراده و استقلالی نداشتند، بلکه قدرت حاکم بر منطقه یعنی انگلستان بود که تصمیم می‌گرفت. اما آنچه از سخنان شاه و هویدا شنیده می‌شد، این تصمیم را جزو «سیاست مستقل ملی» خود تلقی می‌کردند.

در مورد بحرین عدم توصل به زور و خشونت را مطرح کردند و در مورد جزایر سه‌گانه با استفاده از قوه قهریه و اشغال نظامی تغییر رویه دادند این تناقض گویی‌ها و عملکردهای گوناگون شاه و نخست وزیر در واقع پیرو مذاکرات پنهانی میان ایران و انگلستان و امیرنشین شارجه صورت می‌گرفت، و با توجه به وعده‌هایی که به شاه در مورد نقش ژاندارم در منطقه داده می‌شد، سیاست به اصطلاح مستقل ملی شاه نیز تغییر می‌کرد، که نهایتاً منجر به جدائی بحرین از ایران شد.

منبع:

محمد اختربان، نقش امیرعباس هویدا در تحولات سیاسی اجتماعی ایران

**Leader-Khamenei.com**



مذاکرات پا امیر شارجه

# تشکیلات فراماسونی

فراماسونی در ایران از آغاز به عنوان یک سازمان سیاسی به نفع انگلستان کار میکرد، به نحوی که اکثر مقامات مهم مملکتی یا فراماسون بودند و آن مقام به آنها داده میشد و یا پس از اشغال فراماسون میشدند. در ایران مهمترین تشکیلات سیاسی اداره کننده کشور تا مدت‌ها همین تشکیلات فراماسونی بود که اشرافیت و خانواده‌های صاحب مقام و صاحب ثروت را زیر پوشش گرفته بود و منوبیات امپراتوری انگلستان را پیاده میکرد.

در دوران سلطنت محمد رضا، او ابتدا اجازه تأسیس یک لژ فراماسونی به نام «لژ پهلوی» را داد، که فردی به نام جواهری در رأس آن قرار داشت و ارنست پرون در این لژ فعال و همه کاره بود و رابط محمد رضا با لژ محسوب میشد. بدنامی و سوء شهرت فراماسونی در ایران سبب میشد که رابطه محمد رضا با آن به شدت ینهان نگاه داشته شود، ولی محمد رضا در طول دوران خود همیشه از فراماسون‌ها حمایت میکرد و در جریان کار آنها قرار داشت و آنها نیز به شدت به سلطنت او علاقه‌مند و وفادار بودند

منبع:

فردوست، حسین، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی  
چاپ هشتم، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۴، ص ۳۷۲



سه پوادو علامون:  
الپاپی پیپی پیپی عربی دکتر خان فرش محمد شاهزادی

## لطفهای خیانت آمیز B.B.C در ایران

در ۲۸ مرداد سال ۱۳۴۲ ش این شبکه به عنوان بازوی اینتلیجنت سرویس عمل نمود. B.B.C با عوامل کودتا در ارتباط بود و به آن‌ها پیغام داد که باید عملیات کودتا انجام شود. آن‌ها از طریق بی‌بی‌سی این پیغام را در ساعت دوازده شب بدین ترتیب دریافت کردند که گوینده پس از اعلام ساعت دوازده به جای اینکه بگوید: "هم اکنون نیمه شب است" از کلمه رمزی که انگلیس برای اطمینان خاطر دادن به محمد رضا پهلوی برای شروع کودتا در نظر گرفته بودند استفاده کرد و گوینده گفت: "هم اکنون دقیقاً نیمه شب است". بی‌بی‌سی فقط در خدمت وزارت خارجه انگلیس نبوده است و به سرویس اطلاعاتی این کشور اینتلیجنت سرویس: هم خدمات ارائه می‌کند.

در ماجراهی سلمان رشدی که انگلیسی‌ها به وی ۵۰۰ هزار پوند دادند تا کتابی توهین آمیز نسبت به مقدسات اسلامی بنویسد نیز بی‌بی‌سی ایفای نقش کرد. پس از آنکه حضرت امام(ره) فتوای قتل سلمان رشدی را صادر کردند آن‌ها تبلیغات زیادی به راه انداختند که مردم از فتوای امام پشتیبانی نکرده‌اند. بدنبال آن مسلمانان تصمیم گرفتند که در یک روز جمعه جمع شده و با حضرت امام بیعت کنند. B.B.C در این ماجرا نیز واپستگی خود را به سرویس‌های امنیتی نشان داد. آن‌ها تصاویری را که از مساجد تهیه کرده بودند و در آن تصاویر کسانی که نقش هماهنگی مردم را بعهده داشتند وجود داشت در اختیار اینتلیجنت سرویس قرار دادند و این سازمان نیز تلاش کرد تا با روش‌های مختلف مشکلات زیادی را برای آن‌ها بوجود آورد.

٣٦

۸۷/۱۰/۲۴ مصباحیه آقای سلیمان نعین با خبرگزاری پلاس نیوز، مورخ



# B.B.C فارسی و مدیران بهائی

شبکه B.B.C برای بسیاری از کشورهایی که در سیاستهای خود مشی ضد استعماری را در پیش گرفته اند به زبانهای رایج آنها شبکه های رادیویی و تلویزیونی ایجاد کرده است.

این شبکه در حالی ادعای مستقل بودن میکند که اولاً بودجه آن بطور مستقیم از طریق وزارت خارجه انگلیس تامین میشود ثانیاً مدیران ارشد این شبکه و خبرگزاری از طریق ملکه انگلیس انتخاب و منصوب میشوند.

اما مدیران شبکه و خبرگزاری بی.بی.سی فارسی چه کسانی هستند؟ یک نگاه گذارا به هویت این مدیران سیاستهای استعماری این شبکه را برملا میکند. بخش فارسی این شبکه از آغاز تولد خود تا به اکنون توسط مدیرانی از فرقه ضاله بهائیت سرپرستی شده اند. فرقه بهائیت از مددکاران صهیونیسم و رژیم اشغالگر است قبله این فرقه و بیت العدل آن در فلسطین اشغالی است و هر ساله سران رژیم صهیونیستی طی مراسمها یک مراتب سپاسگزاری خود را از سران این فرقه به دلیل حمایتهای مالی و سیاسی و تروریستی از رژیم صهیونیستی اعلام میکنند.

اولین مدیر و گوینده بخش فارسی بی.بی.سی که بصورت رادیویی در ۲۹ دسامبر ۱۹۴۰، ۸ دیماه ۱۳۱۹ آغاز بکار کرد، «حسن موقر بالیوزی بوشهری» از سران فرقه بهائیت است.

"حسن موقر بالیوزی بوشهری" از اعضای خاندان افنان (خویشان علی محمد باب)، است که به عنوان یکی از سران فرقه بهائی و از کارگزاران مؤثر انگلیس در ایران بود. حسن بالیوزی در سالهای ۱۹۳۷-۱۹۶۰ میلادی ریاست محفل ملی روحانی بهائیان بریتانیا را به دست گرفت. در سال ۱۹۵۷ شوکی افندی (رهبر بهائیان) بالیوزی را به عنوان یکی از ایادی امرالله منصب کرد. او سازمان دهنده کنفرانس معروف بهائیان است که در سال ۱۳۴۲ در لندن برگزار شد و اعتراض شدید امام خمینی را برانگیخت. از آن زمان تا به اکنون مدیران ارشد بی.بی.سی فارسی از فرقه بهائیت بوده اند.

منبع:

عبدالله شهبازی، شبکه های اطلاعاتی بریتانیا و ایالات متحده آمریکا، فصلنامه تخصصی تاریخ معاصر ایران سال ششم شماره ۲۳ پاییز ۸۱ ص ۱۸  
"تاریخ پنجاه ساله بخش فارسی رادیو بی.بی.سی". برنامه فارسی رادیو بی.بی.سی، شنبه ۱۰ / ۸ / ۱۳۶۹



# اسلام سیزی و حمایت از اهانت کنندگان به اسلام

پس از بیست سال که از انتشار کتاب آیات شیطانی توسط سلمان رشدی میگذرد ملکه انگلیس طی مراسمی به نویسنده این کتاب لقب سر Sir و منصب شوالیه گری knighthood اعطا کرد. طبق عرف انگلیس لقب «سر» و نشان «شوالیه گری» به کسانی اعطا می شود که کارها و خدمات بر جسته و ارزشمندی برای دولت انگلیس انجام داده باشند. رشدی پس از دریافت این لقب گفت:

«من از دریافت این افتخار بزرگ احساس هیجان و کوچکی می کنم و عمیقاً سپاسگزارم که کارم به این شکل مورد توجه قرار گرفته است.»

بیش از نگارش این کتاب جلسه ای با حضور سلمان رشدی و متفکران صهیونیست برگزار شد. و پس از انتشار کتاب رژیم صهیونیستی نیز آمادگی خود را برای اعطای پناهندگی به سلمان رشدی اعلام کرد و خواهان انتشار کتاب او به تمام زبانها شد.

روزنامه‌ی «ساندی تایمز» که در مالکیت یهودی و صهیونیست معروف، «رابرت مردوخ» است، درباره‌ی آن نوشت: قطعه‌ی هنری بسیار زیبایی است که در قالب رمان نوشته شده و بیش از هر کار دیگری در این روزها ایده ال تلقی می شود.

منابع:

روزنامه ایران، ۸۶/۳/۲۷

پایگاه الکترونیکی تبیان، ۸۶/۳/۲۷



ملاقات رشدی با شیمون  
پرز رئیس دولت رژیم  
صهیونیستی



سلمان رشدی پس از  
دریافت نشان شوالیه

# دستگیری دانشجویان ایران در لندن

با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی مردم ایران در بهمن ماه سال ۱۳۵۷ و بروز تحولات انقلابی در ایران، دولت انگلیس اقداماتی را علیه ایرانیان به خصوص دانشجویان ایرانی در انگلیس انجام داد و سخت گیری هایی در این زمینه آغاز نمود. که منجر به تشدید تنش ها میان دوکشور و برگزاری نخستین تظاهرات مردمی بر ضد انگلیس در اواخر سال ۱۳۵۷ در تهران گردید.

با اخراج گروهی از دانشجویان ایرانی از لندن و زندانی شدن شمار دیگری از آنها، دولت ایران به مقامات دولت انگلیس رسماً اعتراض و هشدار داد که این روند در نهایت منجر به تشدید بیشتر تنش ها در مناسبات دو کشور می گردد. که در نهایت وزارت خارجه انگلیس در نیمه دوم سال ۱۳۵۹ کاردار و دیگر دیپلماتهای سفارت انگلیس در تهران بجز یک نفر را به لندن فراخواند و سفارت این کشور در ایران را تعطیل اعلام کرد.

در اوایل سال ۱۳۶۰ کاردار وقت انگلیس در ایران با جناب آقای هاشمی رفسنجانی رئیس وقت مجلس شورای اسلامی دیدار و خواهان گسترش روابط دو کشور شد. رئیس مجلس شورای اسلامی نیز در پاسخ اظهار داشت: سیاست جمهوری اسلامی ایران این بوده است که با کشورهایی که اهداف استعماری و سلطه جویانه ندارند روابط دوستانه داشته باشد. اما انگلستان در قضیه گروگانها امتحان خوبی پس نداده است. این وضعیت همچنان ادامه یافت و در سال ۱۳۶۵ پس از چند سال تیرگی روابط میان دو کشور، خانم تاچر نخست وزیر وقت انگلیس تغییر رویه داد و خواستار بهبود روابط با ایران شد و بالاخره در سال ۱۳۶۵ با تعیین سرپرست دفتر حفاظت منافع در دو کشور ایران و انگلیس موافقت شد.

منبع

مقاله روابط سیتوسی پر تنش ایران و انگلستان پس از انقلاب، سایت تابناک، مورخه ۱۳۸۸/۴/۴



# دخت های انگلیس در جنگ تحمیلی

دقیقاً چند ماه پس از پایان جنگ ایران و عراق آلن کلارک وزیر دفاع انگلستان، معاون خود دیوید هیتی را به سوی بغداد روانه ساخت. هیتی معاون وزیر دفاع بریتانیا چنین می‌گوید: «تمام تلاشمان را به خرج دادیم تا رابطه را گرم نگه داریم. طی جنگ هشت ساله صدام علیه رژیم تهران، به طور متوسط هر سال ۴۰ خلبان نظامی عراقی در پایگاه نیروی هوایی سلطنتی بریتانیا، آموزش می‌دیدند و شرکت‌های خصوصی نظیر هواپیمایی C.S.I هم بر این دوره ها نظارت داشتند».

فرماندهان سرویس خدمات هوایی ویژه S.A.S در انگلستان واحد‌های ویژه هوابرد عراق را در پایگاه فوق سری جزیره‌ای در رود دجله آموزش می‌دادند. شرکت مارکنی انگلیس فرستنده‌های مایکروویو نظامی در اختیار عراق قرار داد و شرکت راکال نیز متعهد شده بود تا کارخانه تولید پیشرفته ترین رادیوی نظامی جهان را به نام جاگوار در عراق احداث نماید

از دیگر خدمات بسیار ارزشمند بریتانیا به حکومت دیکتاتور عراق در طول جنگ، آن بود که در سال ۱۹۸۳ یعنی دو سال پس از آغاز جنگ علیه ایران، لندن بر مبنای طرح استانچ، به تهران اجازه داد تا در خیابان ویکتوریا دفتر خریدی باز کند. تهران در این دفتر می‌توانست روابط تجاری خود را با دلالان و تجار اسلحه و امکانات مورد نیازش در جنگ برقرار سازد. این دفتر درست و در همه لحظات، تحت نظارت جاسوسان و مراقبان پلیس مخفی بریتانیا بود و حکومت بریتانیا از طریق M.I.5 سازمان اطلاعاتی خود تمامی حرکات ایرانی‌ها را ثبت و در اسرع وقت، کلیه اطلاعات و اسناد مهم مربوط به خرید اسلحه‌های اروپایی و امکانات غربی را مستقیماً به برادر ناتنی صدام و رئیس سازمان اطلاعاتی عراق «برزان التکریتی» می‌فروخته است.

منبع:  
روزنامه همشهری ۱۳۸۳/۶/۲۸



# دخالت در بمب گذاری های اهواز

دخالت های انگلیس در بمب گذاری های سال ۸۳ و ۸۴ در اهواز به اثبات رسیده است و اسناد این قضیه در اختیار وزارت اطلاعات است و مقامات امنیتی ایران اعلام آمادگی کرده اند که اسناد و اطلاعات مربوط به حوادث گذشته و حال اهواز را در اختیار مقامات ذی ربط انگلیسی قرار دهند. همچنین اطلاعیه های عوامل ضد انقلاب که مسئولیت این انفجارها را بر عهده گرفته اند از انگلیس صادر شده که مقر اصلی فرماندهی این عوامل است. انگلیسی ها علاوه بر حمایت اقتصادی و معنوی از گروهکهای ضد انقلاب، به آنان آموزش می دهند تا در داخل کشور آشوب های قومی و مذهبی به راه بیاندازند.

منبع :  
نشریه صباح، بهار ۱۳۸۵، شماره ۱۹



# آموزش نیروهای ضد انقلاب توسط انگلیس

انگلستان، نیروهای ضد انقلاب ایرانی را در اردن آموزش نظامی می دهد. نظامیان انگلیسی مستقر در اردن، از فروردین ماه سال ۱۳۸۶ اقدام به آموزش شبہ نظامیان ضد انقلاب ایرانی کرده اند. این آموزش ها در پادگانی در منطقه الروشه نزدیک به مرز مشترک با عراق صورت می گیرد. حضور حجم زیاد نفرات در این پادگان، حکایت از برنامه ریزی گسترده و بلند مدت برای اقدام علیه امنیت ملی ایران دارد. در حوادث سالهای گذشته در خوزستان نیز، افراد دستگیر شده در تحرکات قومی، به آموزش خود توسط نیروهای انگلیسی اذعان کردند. تجهیزات مکشوف از این افراد تاییدی بر این اقدام انگلستان بود.

منبع:

مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، ۱۳۸۶/۵/۱۸



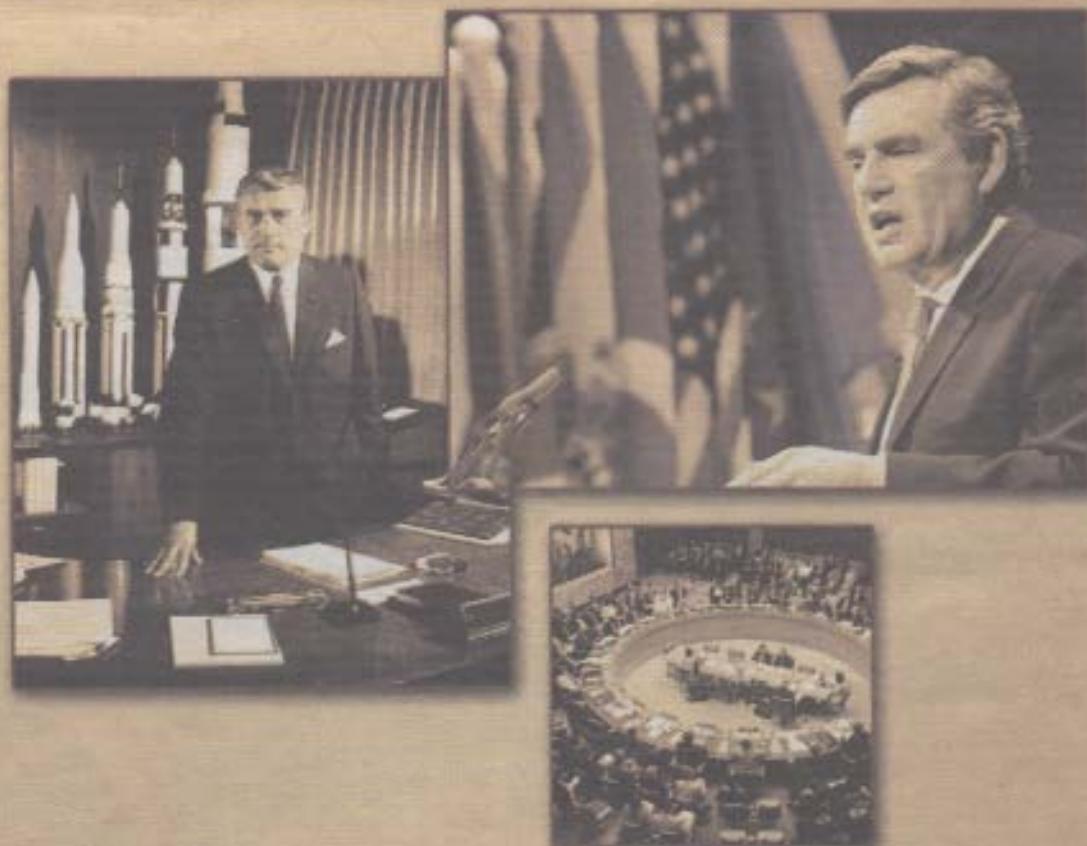
# دخالت در مسائل هسته‌ای و صدور قطعنامه علیه ایران

یکی از دخالت‌های اخیر انگلیس دخالت در مسائل هسته‌ای ایران است. این کشور به همراه دو کشور دیگر اروپایی یعنی آلمان و فرانسه همواره با فعالیتهای هسته‌ای ایران مخالفت کرده‌اند و با دخالت‌های خود زمینه پیشرفت دانشمندان ایرانی را در این عرصه گرفته‌اند. علی‌رغم تأکید مکرر ایران بر مسالمت آمیز بودن برنامه‌های هسته‌ای اش، کشورهای اروپایی با اعمال فشار علیه ایران، خواستار لغو تمامی فعالیتهای هسته‌ای ایران هستند.

از دیگر اقدامات انگلیس در بحث انرژی هسته‌ای می‌توان به تهییه پیش‌نویس قطعنامه سوم شورای امنیت اشاره کرد که توسط انگلیس به همراه آلمان و فرانسه تهییه شده بود.

گوردون براون نخست وزیر انگلیس درباره فعالیت‌های صلح آمیز چنین گفته است: به اعتقاد من روندی که آغاز شده، که می‌تواند به قطعنامه سوم سازمان ملل منجر شود، مسیر درستی را طی می‌کند. در صورتی که فعالیت‌های حساس هسته‌ای خود را متوقف نکند، لندن از صدور قطعنامه سوم تحریم علیه تهران حمایت خواهد کرد.

منبع:  
سایت ایران حال ، به نقل از خبرگزاری فرانسه تاریخ ۱۳۸۶/۶/۱۴



# جاسوسی، نقض حریم ایران و پازدداشت ملواثان انگلیسی

پس از اشغال عراق، انگلیسی‌ها به شیوه‌های مختلف به مرزهای هوایی و دریایی جمهوری اسلامی تجاوز کردند. در دی ماه ۱۳۸۳، هشت نفر از نظامیان این کشور با ورود به آب‌های سرزمینی ایران توسط نیروی دریایی سپاه دستگیر شدند، که پس از عذرخواهی و متعهد شدن دولت انگلیس، آزاد شدند. در موردهای دیگر با تجاوز پانزده نظامی نیروی دریایی سلطنتی بریتانیا در سوم فروردین ۱۳۸۶، نقض حریم آب‌های ایران توسط انگلیس، مجدداً تکرار شد.

فرمانده گارد ساحلی عراق در گفتگو با شبکه العالم اظهار داشت: «از حضور نیروهای انگلیسی در سواحل ایران تعجب می‌کنم. زیرا مسئولیت حفاظت آن به عهده نیروهای امریکایی است و انگلیسی‌ها نمی‌توانند در این منطقه حضور یابند. هیچ نشانه‌ای دال بر تعرض مرزبانان ایرانی به آب‌های سرزمینی عراق ثبت نشده و بازداشت نیروهای

انگلیسی خارج از محدوده تحت کنترل نیروهای عراقی صورت گرفته است.»

در این زمینه کاپیتان کریس ایر، فرمانده تفنگداران دریایی دستگیر شده، یک هفته قبل از ۲۳ مارس - زمان تجاوز به آب‌های ایران - در مصاحبه با شبکه اسکای نیوز تصریح کرده بود: «ماموریت نظامیان بریتانیایی، جمع آوری اطلاعات درباره ایران است، ما اطلاعات جاسوسی را جمع آوری می‌کنیم». براون وزیر دفاع انگلیس نیز در یک برنامه تلویزیونی گفت: «جمع آوری اطلاعات جاسوسی در عملیات نظامی، امری عادی است و نیروهای انگلیسی به جمع آوری تمام اطلاعات لازم نیاز دارند».

ابتکار عمل رسانه‌های ایران در پخش اعترافات نظامیان انگلیسی، دولت این کشور را از تهدید نظامی به تغییر لحن وادر کرد. خانم فایه ترنی اعلام کرد: جمعه ۲۳ مارس همراه با ۴ نظامی دیگر انگلیسی در حال گشت زنی وارد آب‌های ایران شدیم که نظامیان ایرانی به همین علت ما را بازداشت کردند. به صراحت اعلام می‌کنیم که ما در آبهای ایران بودیم که دستگیر شدیم.

منبع :

مقاله تجاوز نظامیان انگلیسی به مرزهای ساحلی ایران، سایت عملیات روانی، شنبه ۱۲/۰۳/۱۳۸۶



# انگلستانیان و اهانت به ایرانیان

سفارت انگلیس در تهران در واکنش به طولانی شدن بازداشت ملوانان بریتانیایی اقدام به انگشت نگاری از ایرانیان متقارضی سفر به انگلیس کرد. سفارت انگلیس در تهران با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد که از ایرانی‌ها برای سفر به انگلیس، اثر انگشت می‌گیرد. مطابق این اطلاعیه، هزینه درخواست صدور روادید انگلیس و خدمات کنسولی نیز، از امروز یکشنبه دوزادهم فروردین‌ماه افزایش می‌یابد. در این اطلاعیه همچنین آمده بود: «تمامی متقارضیان صدور روادید که پنج سال یا بیشتر دارند باید به منظور حفظ هویت، تسهیل ورود به انگلیس در آینده و مبارزه با جعل روادید یا سوء استفاده از نظام مهاجرت و پناهندگی آن کشور برای اخذ اطلاعات بیومتریک شخصی و تهیه اسکن از اثر انگلستان خود درخواست صدور روادید را شخصاً به سفارت انگلیس ارائه کنند و در صورت خودداری متقارضیان از تهیه اسکن انگلستان، درخواست روادید آنها به جریان نخواهد افتاد.»

منبع:  
سایت دویچه وله شبکه‌ی برون مرزی آلمان، مورخ ۲۰۰۷/۴/۱



# حمله انگلیس به سرکنسولگری ایران در بصره

اقدام تحریک آمیز نظامیان انگلیسی به فاصله تنها چند روز پس از تجاوز آشکار دو قایق انگلیسی به آبهای ایران در منطقه ارونده رود صورت می‌گیرد و خود به خود بر میزان شک و تردیدهای موجود در خصوص نیات واقعی انگلیسی‌ها از تحرکات چند روز اخیرشان در منطقه می‌افزاید.

محاصره و تیراندازی به سوی سرکنسولگری کشورمان در بصره در شرایطی صورت گرفت که این سرکنسولگری با موافقت دولت عراق و به شکل کاملاً قانونی فعالیت دارد و هم ساختمان و هم اعضای سرکنسولگری که دیپلمات و دارای گذرنامه دیپلماتیک هستند به موجب کنوانسیون‌های بین‌المللی از مسونیت دیپلماتیک برخوردار میباشند.

آنها با نزدیک شدن به ساختمان سرکنسولگری با خودروهای خود اقدام به تردد مستمر در اطراف ساختمان مذکور کردند و عملاً به مدت یک ساعت و ۲۰ دقیقه این ساختمان را به محاصره نظامی درآوردند. انگلیسی‌های اشغالگر هنگام انجام این عملیات بر تعداد نیروهای خود افزودند و ساختمان سرکنسولگری را مورد تعرض قرار داده و اقدام به تیراندازی به سوی آن نمودند. این تیراندازی‌ها که مدت ۲۰ دقیقه به طول انجامید هیچگونه تلفات جانی از خود به جای نگذاشت.

منبع  
خبرگزاری آفتاب، پنجشنبه ۱۳۸۶/۱/۹



# باغ قلهک پادگار کارنامه استعماری انگلیس

باغ قلهک، باغی با وسعت ۲۰ هکتار در منطقه قلهک تهران است که سفارت انگلستان به صورت غیر قانونی و با استناد جعلی بیش از ۱۷۰ سال است که همچنان آن را در اشغال خود دارد.

براساس استناد، ناصرالدین شاه قاجار طی نامه‌ای در مورخ هشتم رمضان المبارک سال ۱۲۷۸ق به سفارت انگلستان حق انتفاع- و نه مالکیت- از باغ قلهک را که قبل از تابستانها آن را اجاره می‌کردند، در اختیار سفارت انگلیس قرار داده شده است و براساس سند دیگری سفیر وقت انگلیس بعدها با استناد یک استشهادیه تقاضای ثبت سند باغ را به نام سفارت انگلیس می‌نماید که مطابق قانون ثبت کلاهبرداری محسوب می‌شود.

همچنین طبق برخی استناد ارائه شده ثبت سند باغ قلهک به نام سفارت انگلیس در زمان رضا شاه نیاز به بودن مصوبه مجلس شورای ملی و بر خلاف قانون اساسی مشروطه بوده است.

منبع:

مرکز استناد انقلاب اسلامی، استناد باغ قلهک در دانشگاه امام صادق، مورخ ۱۳۸۶/۱۰/۶



# انگلیس و حمایت از سازمانهای تروریستی ضد ایران

دادگاه استیناف انگلیس در اقدامی مغایر با قوانین بین المللی، با صدور حکمی نام گروهک تروریستی منافقین را از لیست گروههای تروریستی خارج کرد. با حذف نام منافقین از گروههای تروریستی در انگلیس اموال مسدود شده این گروهک به آنان بازگردانده شد تا صرف اقدامات و عملیاتهای تروریستی این سازمان شود. گروهک منافقین به دلیل انجام اقدامات تروریستی علیه مردم ایران در قتل بیش از ۴۰۰۰ شهروند ایرانی طی عملیتهای تروریستی در دهه های گذشته و همچنین کشتار مردم کرده‌ستان عراق در لیست سازمانهای تروریستی بسیاری از کشورها قرار دارد.

یک سال بعد ۱۸۰ نفر از نمایندگان پارلمان انگلیس پس از خارج کردن نام سازمان مجاهدین خلق از لیست گروههای تروریستی بریتانیا در نامه‌ای از دولت آمریکا نیز خواستند نام گروهک تروریستی منافقین را از لیست سیاه این کشور خارج کند. و سپس تلاش کرد نام منافقین را از لیست اتحادیه اروپا خارج کند. اتحادیه اروپا که از سال ۲۰۰۲ میلادی با ثبت رسمی مستندات سوابق تروریستی منافقین، این گروهک را در فهرست سازمان‌های تروریستی بین‌المللی قرار داده بود، نام منافقین را از این فهرست حذف کرد.

آن سینگلتون، از اعضای سابق گروهک منافقین در گفتگویی با پرس‌تی وی اعلام کرد: «از اقدام دادگاه انگلیس در خارج کردن این گروه از فهرست سازمانهای تروریستی تعجب نمی‌کند، زیرا حتی پیش از رای دادگاه نیز این گروه در این کشور آزادانه فعالیت می‌کرد و به جذب نیرو و منابع مالی می‌پرداخت».

## منابع

خبرگزاری مهر ۱۳۸۷/۲/۲۵ و ۱۳۸۸/۲/۲۵ و ۱۳۸۷/۳/۱۹ و ۱۳۸۷/۲/۱۹



از حوادث گذشته تاریخ، برای آینده عبرت گیر  
که حوادث روزگار با یکدیگر همانند بوده  
و پایان دنیا به آغازش می پیوندد

نهج البلاغه، نامه ۴۳۵

نشانی: تهران، بلوار کشاورز، خیابان فلسطین شمالی

Leader-Khamenei.com